لزوم میقات واحد به بیان دیگر

(30:20)

شاگرد: اگر الآن بگویند این کلاس نیم ساعت به اذان مشهد برگزار می‌شود، ای خدای عالم بفرمایی یک ساعت قبل از فجر مکه این کار را انجام بده، اینجا خودش تعیین و تقیید موضوعش را انجام داده است، چیزی هم نیست که لاتعد و لاتحصی باشد و قابل درآوردن نباشد. می‌توانند مراجعه کنند تا مشخص شود.

شاگرد۲: شما الآن مبادء گذاشتید و همه مکه را گفتید.

شاگرد: همین را عرض می‌کنم. می‌خواهم بگویم محل واحد را می‌توان در موضوع حکم آورد. ولو همه مسلمین جهان بخواهند انجام بدهند.

شاگرد۳: همان میقات واحد شد.

شاگرد: نه، میقات ها متفاوت است، موضوع حکم یک میقات خاص است.

استاد: علی ای حال شما یک محل را به‌عنوان میزان برای میقات تعیین کرده‌اید.

شاگرد: برای میقات عرض نکردم، برای حکم خاص عرض کردم. مثلاً اگر صوم است، خداوند متعال این زمان را تعیین کند. اگر حج است این میقات را تعیین کند.

شاگرد۲: مثال ویدیو کنفرانسی که فرمودند را جواب بدهید.

شاگرد: وقتی برای مشهد تعیین شد، همه در آن ساعت حضور آنلاین دارند.

شاگرد۳: فرض بگیرید به‌صورت هفتگی یک جلسه بین تبریزی‌ها و تهرانی‌ها و مشهدی ها برگزار بشود. میقات آن‌ها چه زمانی می‌شود؟ بگویند نیم ساعت به ظهر؟ نیم ساعت به ظهر یعنی چه زمانی؟

شاگرد: عرض من این است که مشخص می‌کنند نیم ساعت به ظهر مشهد.

شاگرد۳: جلسه مشترک است، کدام یک می‌شود؟

شاگرد: مثلاً می‌گویی نیم ساعت به ظهر مشهد. حکمش مقید می‌شود. اگر الآن نیم ساعت به ظهر مشهد بگویند نمی‌توانیم از قم شرکت کنیم؟ راحت می‌توانیم شرکت کنیم. هیچ صعوبتی هم برای ما ندارد.

استاد: بله، اگر کل اریان را بگویند؛ یعنی همه مردم باید حرف بزنند، اوّل باید چه کار کنند؟

شاگرد: باید بفهمند اذان مشهد چه ساعتی است.

استاد: احسنت. این اولین چیزی است که وقتی به عمل آمد می‌بینید صدای مردم در می‌آید. چرا؟ چون وقتی همه ساعت واحد دارند، می‌گویند ساعت ده کلاس شروع می‌شود، اما اینجا اول باید ساعت محلی آن جا را در بیاورند و با ساعت محلی خودشان تطبیق کنند و ببینند چه زمانی باید در کلاسشان شرکت کنند.

شاگرد۲: اگر این کلاس در گرینویچ باشد مشکل حل می‌شود؟

استاد: با ساعت واحد حل می‌شود. عرض کردم وقتی در هر فرودگاهی بروید دو ساعت هست. یعنی وقتی می‌خواهید پروازها را ملاحظه کنید، یک هواپیما از شرق می‌آید و یک هواپیما از غرب می‌آید. اینها در آسمان به هم می‌خورند. پروازهایشان باید طوری تنظیم شود که به هم نخورند. این چه زمانی درآمد و دیگری چه زمانی درآمده؟ حالا بیایید روی ساعت محلی درستشان کنید! باید چند محاسبه انجام بدهید تا ببینید ساعت محلی آن چه زمانی بوده، ساعت محلی شما چه زمانی بوده، جمع و ضرب این دو به چه صورت است؟ چه زمانی در این نقطه به هم می‌رسند؟ اما وقتی شما یک ساعت جهانی دارید، می‌گویید آن هواپیما ساعت ده و ده دقیقه درآمده و این ده و یازده دقیقه. به کدام ساعت؟ ما در اینجا به محل کاری ندارید. به همان ساعتی کار دارید که یکی از ساعتهای فرودگاه است که آن ساعت بین‌المللی است.

شما فقط یک مبداء را قبول کرده‌اید، فقط می‌خواهید به محلی بودنش محافظت کنید. می‌گویید ما که مشکلی نداریم اگر یک مبداء محلی به‌عنوان معیار تعیین کردیم، بقیه هم خودتان می‌دانید. اما محور میقاتیت در فرمایش شما می‌آید. ولی مکملش نیامده است. ذیل فرمایش حاج آقا در «أسئلة حول روية الهلال» عرض کردم. ایشان می‌گویند: قوام میقات این است که سهل التناول باشد. آن جا عرض کردم نه، قوام میقات این است که بتواند به امور مردم نظم بدهد. کمالش به این است که راحت باشد. الآن شما که یک محل را معیار همه قرار می‌دهید، یعنی یک میقاتی درست کرده‌اید که به امور نظم می‌دهد اما آسان نیست. مورد عسر دست یابی است. خُب برای اینکه ارتباطات برقرار بشود و همه با هم انجام بدهند، میقاتی به‌عنوان میقات روشن سهل التناول داشته باشیم، لذا به ساعت واحد احساس نیاز می‌شود. بعد هم تقویم واحد. الآن یک شنبه و دوشنبه باید معلوم باشد چه روزی است. اگر می‌گویید ساعت یازده روز یک شنبه، در جای دیگر الآن دوشنبه است. شما به دوشنبه او کاری ندارید. وقتی شما میقات یک شنبه را می‌گویید، یعنی این نظم را برای کل کره آورده‌اید.

من مثالش را عرض کنم؛ فرض بگیریم شارع در دلیل اثباتی فرموده: ایها المسلمون شب اول ماه مبارک همه با هم این دعا را بخوانید، ارتباطات هم زیاد است و همه با هم می‌توانند بخوانند. می‌خواهم لحظه واحدی که باید همه انجام بدهند را بگویم. شاید مثال بهتری به ذهن شما بیاید. فرض بگیریم یک دلیل اثباتی برای امت اسلامی می‌گوید در شب اول ماه همه با هم یک کاری را انجام بدهند.

شاگرد: مثلاً بعضی از علماء می‌فرمودند شب نیمه شعبان دعای سلامتی را بخوانید.

استاد: بله، در لحظه واحد؛ مثل ویدیو کنفرانسی که عرض کردم همه باشند. اگر چنین دلیلی را فرض بگیریم مخاطبش امت اسلامیه است، این را برای شب اول بخوانیم. الآن نسبت به کره‌ای که غموضش را گفتیم نصفش شب و نصفش روز است، چه زمانی را به‌عنوان شب اول ماه بخوانند؟ فروضی دارند. نشد من فروضش را بخوانم. می‌گویند مثلاً فقط ربع مسکون متصل به مکه مکرمه معیار باشد و به بقیه کاری نداشته باشیم. حساب آنها جدا باشد. خُب محتملاتی است که به آنها می‌رسیم. فعلاً سؤال من این است: الآن اگر به این صورت بگویند، ضابطه

می‌خواهیم ای من؟ چرا این مثال را عرض می‌کنم؟ می‌خواهم احساس نیاز به یک نصف النهار واحد در وقتی که مسلمین به یک ارتباطات تعاملی در زمان واحد هماهنگ دارند را بگویم. همه می‌خواهند در شب اول با هم این دعا را بخوانند. اگر چنین دلیل اثباتی باشد، که حالا بعداً هم می بینیم که در روایات داریم چنین چیزی ای ندارید، آن وقت است که این چیزی که عرض می‌کنم کاملاً خودش را نشان می‌دهد. یعنی شما چراهای ندارید برای کل کره یک شب اول ماه تعیین کنید. چون همین وقتی که آنها می‌خواهند بخوانند، فلان جا زور است. مانعی ندارد. احکامی که برای محل خاص خودش است، طبق طلوع و غروب و ظهر انجام می‌دهید. اما اگر احکامی است که برای تعامل مسلمین است، ارتباط تعاملی آنها است، طبق تقویم ماه مبارک به وزان احکام شرعی، فرق می‌کند. بعداً می‌توانید به‌صورت دقت ریاضی هم دربیاورید. مثلاً بگویید برای هر مسلمانی در کل کره، یک شماره اختصاصی مثل کد ملی می‌گذاریم که مثلاً این دعا را با این وزان و با این نحو بخواند. چون شارع مصلحت دیده که در هماهنگی اصوات عباداللّه در خواندن این دعا، آثاری دارد مثلاً فلان امر تکوینی بر آن مترتب می‌شود. پس هر شخصی در همان لحظه‌ای از شب اول ماه که همه می‌خوانند، باید بخواند. چرا؟ چون نفس صوت او که تولید می‌شود در هماهنگی کل تأثیری دارد که باید باشد. اگر نباشد کل نمی‌آید. اینها مثال‌هایی است که اگر به‌صورت ریاضی در بیاید روشن‌تر می‌شود. همه باید بگویند.

خُب الآن شما می‌گویید این جور چیزی محال است؟! یعنی بگویند ایها الناس در شب اول ماه مبارک همه با هم این دعا را بخوانید؛ به‌صورتی‌که صوت هر کسی معلوم است. به یکی می‌گویند تو باید به‌شدت صوت بخوانی، دیگری را می‌گویند آهسته بخوان. اگر این جور چیزی باشد چنین حکمی محال است؟! چون در کره زمین که شب اول ماه نداریم. میقاتیت ماه مبارک به‌عنوان شب اول ماه برای کره نداریم. مأیوس هستیم. اگر این جور بگوییم، می‌گوییم پس این حکم هم موضوع ندارد. ای اینکه بگوییم چنین حکمی می‌تواند موضوع پیدا کند. چون الآن به‌دنبال یک ردهای از میقاتیت هستیم که متفرع بر ارتباط همزمان کل افراد روی کره است. مبتنی‌بر ارتباط تعاملی هماهنگ کل مسلمین روی کره است. اگر این جور شد شرع می‌تواند یک حکمی برای این بیاورد ای من؟ من عرض می‌کنم: می‌تواند. چرا؟ چون این نصف النهار دحو الارض کاری انجام می‌دهد که مصحّح این معنا می‌شود؛ برای میقاتیت تمام مسلمین مرتبط با هم در لحظه واحد به‌صورت تعاملی. وقتی این را داریم اگر یک جایی نیاز به این جور چیزی بود، چرا این واحد را اعمال نکنیم؟!

نکته دیگر اینکه ما با برچسب زنی هایی که روی قوس انجام می‌دادیم، می‌توانیم آنها را روی این نصف النهار واحد بزنیم. اگر این نصف النهار تکوینیت دارد، بر آن آثار هم بار می‌شود.

[اشکال دوم:]

(42:57)

در مطلب دوّمی که ارسال کرده‌اند، فرموده‌اند: ما شب‌ِبیست و چهار ساعت را در نظر می‌گیریم، به نصف النهار دحو الارض چه کار داریم؟! همه اینها اعتبار است.

[**جواب**:] من عرض کردم خیلی از ادله - و روایات مفصّلی که آقایان آوردند - بود که نصف النهار دحو الارض یک نحو تکوینیت دارد، از اول، شروع‌ِکار بوده است. اگر طبق آن جلو بروید به ازاء این برچسب زنی‌ها کل تقویم برای شما منظم می‌شود. یعنی [اگر] شما نصف النهار دحو الارض را روز اول در نظر بگیرید، دیگر بین برچسب هایی که می‌زنید فاصله نخواهد بود، و دیگر روی هم نخواهد افتاد. یعنی از اول تا آخر منظم جلو می‌روید. این جور نیست که شما فقط این ماه و امسال را در نظر بگیرید، که با مبانی دیگر که مبتنی‌بر رؤیت و نصف النهار هر بلد ای غروب هر بلد هست، تطبیق بدهید. این عرض من است.

یکی-دو نکته دیگر در فرمایشی که ارسال کرده بودند، هست. شما این صفحه را ببینید و حاضر الذهن باشید. ان شاءالله دوشنبه خلاصه‌ای از آن را می‌گویم. نمی‌دانم به فرمایش شما هم رسیدیم یا نه.

بازبینی #2
ایجاد شده 26 ژانویه 2026 14:15:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 26 ژانویه 2026 14:52:08 توسط ... .